

# تربیت بر مدار کنجکاوی

همگام با مفاد اسناد تحول نظام  
تعلیم و تربیت رسمی و عمومی

دکتر فرخ لقارئیس دانا  
متخصص تعلیم و تربیت

## سر آغاز

اولین گام برای تبیین فلسفه تعلیم و تربیت و مبانی آن، معنا کردن سه مفهوم فلسفه، تربیت و مبانی است. «فلسفه» به معنای ریشه فکری و عقلانی مرتبط با چیستی، چرا و چگونگی هر پدیده‌ای است. فلسفه انجام هر کار بعنی آن کار چیست؟ مبنای آن کدام است؟ چرا هست و چرا باید انجام یا پی‌گیری یا به آن پرداخته شود؟ اصولاً چرا باید به آن موضوع فکر شود و اینکه چگونه باید کار صورت گیرد، کدام روش یا شیوه برای انجام آن بهینه‌تر است؟ به عبارت دیگر، فلسفه تلاش عقلانی انسان برای واکاوی چیستی، چرا و چگونگی امور و پدیده‌های است؛ تلاشی که بر استدلال و بهره‌گیری از عقل، منطق و برهان ناشی از خردورزی مبتنی است. بنابر مفهوم فلسفه روشن است که «فلسفه تربیت و تعلیم» یعنی چیستی، چرا و چگونگی امر تربیت و تعلیم.

یعنی ابتدا باید به طور دقیق در کنیم منظور از تربیت چیست؟ چرا به تعلیم و تربیت می‌پردازیم و ضرورت‌های تربیت کردن افراد جامعه چیست و بالاخره آنکه شیوه‌های مناسب و بهینه تعلیم و تربیت در شرایط متفاوت و گوناگون کدام‌اند؟ در اسناد تحولی نظام رسمی و عمومی، برای «تربیت» تعریف جامع و کاملی به دست داده شده است که هم آموزش و هم پرورش را دربرمی‌گیرد. درواقع، واژه «تربیت» جایگزین آموزش و پرورش شده است. این تعریف براساس آن اسناد عبارت است از: «زمینه‌سازی تحول اختیاری و آگاهانه آدمی». واژه «تربیت» شامل تمام ابعاد وجودی و همه جنبه‌های فرایند کار تربیت است و تمامی اجزا و عناصر مرتبط با این فرایند یعنی تعلیم، تزکیه، تأثیب، تدریس و مهارت آموزی را شامل می‌شود. فرایند تربیت موجبات شکل‌گیری هویت یادگیرندگان

فلسفه تربیت اسلامی- ایرانی بر تصمیمات مرتبط با تهیه و تدوین برنامه‌های درسی، فرایند یاددهی- یادگیری، سنجش و ارزشیابی، پژوهش و بررسی و هر آنچه با زندگی تحصیلی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دانشآموز مرتبط است، اثر می‌گذارد و برای مدل کردن اهمیت و ضرورت آن تصمیمات و چگونگی اتخاذ آن‌ها پاسخ‌های مناسب فراهم می‌کند.

این فلسفه به ما می‌گوید که زندگی برای کمال جویی است و کمال در تعالی وجود است. وجودی که از دو عنصر مادی و معنوی مرکب است. کمال در رشد و توسعه توانمندی مادی و معنوی وجود انسان تجلی پیدا می‌کند. کمال جویی باید پیوسته و مستمر باشد، اما باید به این نکته توجه کرد که «کمال یانی» یکباره میسر نمی‌شود. در جاتی از کمال، در هر مرحله از یادگیری و هر برهه از زمان زندگی، هم مورد انتظار است و هم قابل دستیابی، به همین جهت است که گفته شده است دستیابی به مرتیه‌ای از سلسله مراتب حیات طیبه بر حسب شرایط، امکانات، مقررات، بایسته‌ها و برنامه‌ها، هدف‌های تربیتی را شکل می‌دهند و هرگونه تعلیم، تدارک آموزش و تلاش در برهه‌ای از زمان، برای تحقق هدف‌های مورد نظر در آن زمان و مختص دانشآموزان مورد نظر برای آن نوع تربیت است. لذا روشن است که مقصد و مرتبه مورد نظر برای دانشآموز پیش‌دبستانی، دبستانی، متواته و حتی در پایه‌های متفاوت تحصیلی و نیز در موضوعات متنوع درسی، متفاوت است.

چرایی و چگونگی آن متناسب با سلسله مراتبی از نظام معیار ارزش‌های مقبول جامعه اسلامی- ایرانی است.

## تبیین فلسفه تربیت اسلامی- ایرانی

فلسفه تربیت اسلامی- ایرانی موردنظر نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی، با تبیین چیستی، چرایی و چگونگی زندگی، هدایتگر تربیت انسان است و اینکه اگرچه انسان آزاد است و برای گزینش اختیار دارد و تفکر و اراده او در انتخاب راه کمک اوست، اما فقط انتخاب راه درست مطابق با ارزش‌های موردنظر و معیار اسلامی و موردنظر خدای بزرگ است که می‌تواند او را به سرمنزل مقصود برساند.

فلسفه اسلامی می‌گوید انسان دارای فطرت است و این فطرت سرمایه‌ای است که خداوند در اختیار آدمی قرار داده است. فطرت، طبیعت انسان یعنی مجموعه‌ای از نیازهای تمایلات و انگیزه‌های او را مدیریت و زمینه‌های رشد و توسعه به سوی کمال را فراهم می‌کند. این فلسفه به ما می‌گوید،

فطرت انسانی اگرچه سرمایه است، اما در وجود انسان پنهان است و آنچه آن را آشکار می‌کند، تربیت است. تربیت در جهت اینکه یادگیرنده بتواند از راه تفکر و تعقل فطرت وجودی خود را شکوفا سازد و رفتار و کردار خود را با کمک فطرت خویش در جهت تطابق با نظام معیار ارزش‌های اسلامی- ایرانی شکل بدهد و توسعه بخشد و نیازهای، تمایلات و انگیزه‌هایش را در جهت اتخاذ راههای درست مدیریت کند.



یعنی متریبان را به صورتی یکپارچه فراهم می‌کند. البته فرایند تربیت موردنظر در استاد، فرایند مبتنی بر نظام معلم‌آزادی است و هدف آن هدایت متریبان برای کسب ویژگی‌های لازم برای طی مراتبی ارزشی از زندگی پاک، منزه و هدفمند در جهت تأمین رضایت الهی و نزدیکی هرچه بیشتر با خدای قادر متعال است. در سند مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران (آذرماه ۱۳۹۰، ص ۴۳۴) آمده است: «واژه تربیت... نیاز به واژه مکملی مانند تعلیم ندارد و مفهوم تربیت در بردارنده و جامع تمام اجزا و عناصر مرتبط با فرایند تربیت مانند تعلیم، تزکیه و تأدیب می‌باشد»، اگرچه تکرار واژه «تعلیم» قبل از تربیت عادت دیرین ما بوده و هست و این عادت، حتی بر ذکر آن واژه در عنوان اصلی سند تحول نیز سایه اندخته است. در یک جمع‌بندی باید گفت، فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران، تبیینی مدلل و تدوینی خردور از چیستی، چرایی و چگونگی امر تربیت است و بیانگر بنیان‌های اساسی و معتبر تعیین چیستی و

**هر معلم در درجه اول باید فلسفه معلمی خویش را بشناسد، یعنی بداند ماهیت کار معلمی چیست؟ معلم کیست؟ چرا معلمی لازم است و چرا او معلمی را برگزیده است؟ به چه کسانی باید یاد بدهد؟ چه باید یاد بدهد؟ چرا باید آن موضوعات و محتوا را یاد بدهد؟ چگونه باید یاد بدهد؟**

# دستیابی به مرتبه‌ای از سلسله مراتب حیات طیبه بر حسب شرایط، امکانات، مقررات، باistemها و برنامه‌ها، هدف‌های تربیتی را شکل می‌دهند و هرگونه تعليم، تدارک آموزش و تلاش در برهای از زمان، برای تحقیق هدف‌های مورد نظر در آن زمان و مختص دانش آموزان مورد نظر برای آن نوع تربیت است

خویش را قوام بخشد و این مهم  
حاصل نمی‌آید مگر با درک  
عمیق فلسفه تربیت مورد نظر  
در نظام آموزشی که او نقش  
مهم اجرایی آن را بر عهده گرفته  
است. نمودهایی از این فلسفه  
چنین است:

● یادگیری برای درست  
زندگی کردن است و  
هدف مهم و والای زندگی،  
کمال جویی است. کمال  
مراتبی دارد. یادگیری درست  
و شایسته، در واقع، طی  
مرتبه‌ای از مراتب ارزش‌مدار  
زندگی رو به تعالی است.

● نزدیک شدن به خداوند  
و جلب رضایت الهی هدف  
والایی است و تحقق آن  
موجب رضایت فردی از دو  
جهت مادی و معنوی است.

● یکی از راههای مهم  
درست زندگی کردن، کسب  
رضایت خلق خدا و بزرگداشت  
همه مخلوقات و همه

پدیده‌های هستی است برای  
تکریم وجود انسانی و حفظ  
كرامت دانش آموز.  
● یادگیری نوعی  
فضیلت جویی و کمال طلبی،  
حقیقت جویی و واقعیت یابی  
و زیبایی گرایی و هنرپذیری  
است که همه از فطرت  
کنجکاوی انسان نشئت  
می‌گیرد و تربیت زمینه‌های  
رشد و شکوفایی آن را فراهم  
می‌کند.

● فطرت، نیرویی درونی  
برای طی مسیر زندگی از تولد  
تا مرگ، در جهت نزدیکی  
به خداوند قادر متعال و انبار  
و سرمایه‌ای از توانایی‌ها،  
استعدادها و ظرفیت‌های  
وجودی است که باید به  
کمک مریان و معلمان  
شايسه فرست تجلی بیابد و  
به درستی به کار گرفته شود تا  
به کفايت لازم و بايسته برسد.

- \* منابع
  ۱. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، آذرماه ۱۳۹۰ وزارت آموزش و پرورش.
  ۲. ملکی، حسن (۱۳۸۹). نقد و ارزیابی مبانی درسی ملی براساس شاخص‌های فطرت. فصل ناتمام مطالعات برنامه‌های درسی. شماره ۱۸. ص ۵۰-۵۱.

باید یاد بدهد؟ چه باید یاد  
بدهد؟ چرا باید آن موضوعات و  
محتوها را باید بدهد؟ چگونه باید  
یاد بدهد؟ به علاوه، باید بداند  
که می‌تواند چگونه از درستی  
کار خود و درستی طی راه  
دانش آموزان خود برای یادگیری  
در جهت طی مرحله‌ای یا  
مرتبه‌ای از مراتب تعیین شده  
برای رشد و کمال جویی آگاه  
شود؟ چرا این آگاهی برای  
او و برای دانش آموزان لازم  
است؟ چگونه می‌توان به این  
آگاهی رسید؟ چگونه باید از این  
آگاهی در جهت تغییر، اصلاح  
یا تحول در اتخاذ راه و روش‌ها  
بهره گرفت؟ به عبارت بسیار  
ساده، هر علم باید بداند در  
کل چه کاره است و چرا؟ چه  
باید بکند؟ چه می‌کند؟ چگونه  
آن کار را انجام می‌دهد؟ و آیا  
در مسیر درست رفتار می‌کند  
و راه می‌پیماید؟ و در نهایت،  
آیا از انجام کار خود رضایت  
دارد؟ و آیا کوشش و تلاش  
او در رهنمونی سکان تربیت  
نونهالانی که به دست او سپرده  
شده‌اند، در جهت رضایت خدا  
هست؟ و تلاش‌های او آیا به  
اندازه‌ای هست که باید؟ و  
آنقدر شایسته هست که باید؟  
آیا خود او الگوی مجسم خوب  
و اسوه‌ای برای دانش آموزان  
است؟ یا باید قری، کمی تا  
قسمتی در رفتار، گفتار و اعمال  
مللمی خویش تجدیدنظر کند،  
بیشتر مطالعه کند، دانش لازم  
را خود بیاموزد، بینش لازم را  
کسب کند، نگرش وسیع تر و  
مبثت‌تر و سازنده‌تری نسبت  
به رضایت خدا و خلق خدا به  
سامان برساند. این کوشش‌ها  
همه به معنای «هویت‌یابی» کار  
مللمی است. هر معلم شایسته  
است که ابتدا هویت معلمی

آنچه در طی این مراتب  
اهمیت بسیار دارد، رعایت  
تولی و ارتباط طولی و عرضی  
مناسب محتویات آموزشی  
مراقب است، به نحوی که بتواند  
مجموعه وجودی یادگیرنده را  
در جمیع جهات لازم برای رشد  
و توسعه بهینه سوق دهد و در  
همه مراحل و همه سطوح او را  
در جهت طی موفق مرتبه‌ای از  
مراقب زندگی پاک و ارزشمند  
رهنمون باشد.

توجه داشته باشیم، ضمانت  
اجرای موفق چنین انتظاری در  
دو عنصر کلیدی نهفته است:  
۱. برنامه درسی و کتاب‌ها،  
منابع و ابزارهای آموزشی؛  
۲. معلم یا مری و سایر  
هادیتگران فرایند یاددهی-  
یادگیری.

نتیجه‌اینکه تکلیف برنامه‌ریزان  
درسی و مؤلفان کتاب‌های  
درسی و بسته‌های آموزشی در  
ارتباط با فلسفه تعلیم و تربیت  
روشن است، زیرا تا به آن فلسفه  
تسلط فکری نداشته باشند،  
نمی‌توانند به تهیه و تدارک  
 برنامه‌های درسی مناسب و  
متناسب با یادگیرنده‌های خاص  
بپردازند. سخن اساسی در این  
مقاله با معلمان کلاس‌های  
درس و مدیران مدارسی است  
که مسئولیت بزرگ اجرای  
 برنامه‌های درسی را بر عهده  
 گرفته‌اند و در جهت ایفای نقش  
 بزرگ و سازنده و مؤثر خویش  
 پیوسته در تلاش‌اند.

آنچه تلاش‌های این بزرگواران  
را اثربخش می‌کند، در واقع،  
 اشراف کامل به فلسفه تربیت و  
 هدف غایی آن است. هر معلم  
 در درجه اول باید فلسفه معلمی  
 خویش را بشناسد، یعنی بداند  
 ماهیت کار معلمی چیست؟  
 معلم کیست؟ چرا معلمی  
 لازم است و چرا او معلمی را  
 برگزیده است؟ به چه کسانی